

عکسی بود از یک محفل زنانه، روضه ای بود یا مجلس ختمی با زنان چادر مشکی که یکی شان تلفن دستی (همراه یا موبایل) گرفته بود به گوشش با اتن برافراشته. پارسال در یک مجله «خارجی» چاپ شده بود. الهام گرفتم!

## گفتگوی تلفنی با خدا در مسجد

«رساننده روزی ناکسان»  
کنند از برای تو راز و نیاز  
موبایلی بدستم بود یک عدد  
میان من و ذات پروردگار  
زدم زنگی و وصل شد از قضا  
کمی حرف این بنده را گوش کن  
اگر هستی آنجا، حواست کجاست؟  
به قدرت رسیده در این روزگار،  
زنان، زنده زنده کفن می کنند  
که تنها بیاید بکار جماع  
شده جمع در زیر شلوارشان  
کند محور مرکزی شان ورم!  
به گوشش بخوانند امیال خویش  
«که در صیغه کردن، منم بی نظیر!»  
که ریزد زبام و در و بالکن  
شود صیغه کن پیش پایت علم  
پراکنده در شهر، عین وبا  
خدایا! نمایندگان تو اند!  
همه باز کرده بنامت دکان  
تو منظورت از خلق شیخان چه بود؟  
به ویژه نر «مؤمن» و صیغه گر؟

جواب:

اگر صیغه میشی سراغت پیام!  
خصوصاً که خسته شدم از لواط!  
دو کیلو نداری، دو مثقال ده  
الو. بوق. الو. بوق. الو. بیب بیب!

زن:

یقین اتصالی شده! کیستی!

جواب:

یکی شیخ قبراق و فرزند قوی  
برای وصال تو دیوانه ام  
چه بهتر! نتیجه اش چه عالی شده!  
بیا این عقب آیت اش را ببین!  
که یکباره تیک تیک تکانت دهم  
کجارتی ای زن... آهای نانجیب!

الو! ای خداوند روزی رسان  
در این جاکه دیگر زنان با نماز  
ز تکنولوژی من گرفتم مدد  
که یک ارتباطی شود برقرار  
در این مجلس ختم و بزم عزرا!  
پس آن انسرینگت تو خاموش کن  
خدایا خلاصه کنم، رک و راست  
که یک عده مردان دوران غار،  
چه ظلمی، چه ظلمی به زن میکنند  
به چشمانشان زن بود یک متاع  
گروهی ز مردان ک افکارشان  
زنی چون ببینند در هر قدم  
بیایند ناگه برایش قمیش  
«بیا صیغه شو، صیغه ای این حقیر»  
چنان پر شده شهر از صیغه کن  
چه در پارک باشی چه توی حرم  
همه صاحب عمامه، اهل عبا  
نه تنها فقط بندگان تو اند  
همه آیت الله و حجت فلان!  
بگو ای خدا، گر که داری وجود  
چه تکلیف ما هست باجنس نر

الو: بنده من، شنیدم تمام  
مرا کرده تحریک صوت و صدات  
بیا صیغه ام شو، بمن حال ده  
که در صیغه کردن ندارم رقیب

الو وای من، تو خدا نیستی

منم آیت الله ال موسوی  
به مسجد در این بخش مردانه ام  
بله. واقعاً اتصالی شده  
خدایی چه؟ کشکی چه؟ ای نازنین!  
بیا تا خدائی نشانت دهم  
الو بوق. الو. بوق. الو. بیب بیب!